



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2023, 4(3): 1-13

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Development in the Law of International Watercourses

Seyed Reza Ehsanpour¹ 

Received:

15 May 2023

Revised:

15 Jul 2023

Accepted:

20 Jul 2023

Available Online:

23 Sep 2023

Keywords:

International Law,
International
Waterways,
Helsinki
Conference, 1997
Convention, Water
Resource
Management,
Environmental
Protection,
International
Cooperation.

Abstract

Background and Aim: The sustainable management of freshwater resources is one of the most critical global challenges, particularly in arid and semi-arid regions, where water scarcity is acute. Among key challenges are the lack of renewable water resources, imbalanced distribution, water pollution, and the consequences of over-construction of dams and barriers. This article focuses on the evolution of international water law, particularly with respect to the Helsinki Conference (1966) and the 1997 United Nations Convention. It aims to explore how these legal frameworks address challenges involving shared water resources while adapting to environmental and climate changes. The primary goal is to analyze the legal and practical mechanisms for equitable use while resolving disputes in international waterways.

Materials and Methods: This is a descriptive study.

Ethical Considerations: All ethical principles governing research have been observed in the presentation of this Translation.

Findings: The findings indicate that international legal frameworks established by the Helsinki Conference and the 1997 Convention have laid a foundation for balancing the fair and reasonable utilization of shared water resources. They encompass principles like pollution prevention, environmental preservation, and fostering international cooperation among riparian states. Despite their effectiveness, challenges such as mismatched political interests, enforcement difficulties, and the need for updating these frameworks in the face of climate change remain persistent obstacles.

Conclusion: The research concludes that effective management of shared international waterways requires robust cooperation mechanisms, including joint institutions tasked with oversight. Adaptive legal strategies must address modern challenges such as environmental conservation and the socioeconomic needs of affected populations. The study recommends enhancing international collaboration, drafting practical frameworks for dispute resolution, and redefining key principles in light of global environmental pressures. The article emphasizes future developments in water law as critical to addressing pressing issues like environmental sustainability, equitable resource distribution, and regional cooperation.

1* Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Shahed, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: Ehssanpour@gmail.com Phone: +989111164196

Please Cite This Article As: Ehssanpour, A (2023). "Development in the Law of International Watercourses". *Interdisciplinary Legal Research*, 4 (3): 1-13.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی

سید رضا احسان‌پور^۱*

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: Ehssanpour@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: مدیریت منابع آبی در سطح جهانی یکی از چالش‌های اساسی عصر حاضر است، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک که با کمبود منابع آبی روبه‌رو هستند. حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی، به‌عنوان یک حوزه مهم در حقوق بین‌الملل، نقش برجسته‌ای در تعیین اصول استفاده عادلانه و معقول از منابع آبی مشترک ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی توسعه حقوق بین‌الملل در زمینه آبراهه‌های بین‌المللی، با تمرکز بر تحولات جدید در زمینه مقررات کنفرانس هلسینکی (۱۹۶۶) و کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل، و تحلیل تأثیر این مقررات بر مدیریت پایدار منابع آبی و حل منازعات می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های مدیریت آب‌های مشترک و نحوه تطبیق این مقررات با تحولات زیست‌محیطی و اجتماعی امروز است.

مواد و روش‌ها: روش مطالعه و گردآوری اطلاعات و یافته‌های پژوهش اصلی، تحلیلی توصیفی بوده است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در ترجمه این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مقررات کنفرانس هلسینکی و کنوانسیون ۱۹۹۷ به‌ویژه در زمینه استفاده معقول و برابر از منابع آبی و حقوق کشورهای ساحلی تأثیرات قابل توجهی بر توسعه حقوق بین‌الملل آبراهه‌های بین‌المللی داشته‌اند. این مقررات بر اساس اصولی مانند جلوگیری از آلودگی، حفظ محیط‌زیست، و توسعه همکاری‌های بین‌المللی در مدیریت منابع آبی مشترک تنظیم شده‌اند. با این حال، چالش‌هایی همچنان وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تضاد منافع میان کشورهای ساحلی، مشکلات در اجرای توافقات و نیاز به بازنگری در قوانین با توجه به تغییرات اقلیمی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که برای مدیریت مؤثر و پایدار منابع آبی بین‌المللی، همکاری نزدیک میان کشورهای ساحلی و ایجاد نهادهای مشترک در مدیریت آبراهه‌ها ضروری است. در این راستا، قوانین جدید و به‌روز شده می‌بایست به‌طور مؤثری نیازهای زیست‌محیطی و اجتماعی را تأمین کنند. پیشنهادات این تحقیق به بررسی راهکارهایی برای بهبود همکاری‌های بین‌المللی، تدوین موافقت‌نامه‌های جدید و شفاف‌سازی قوانین و تعهدات میان کشورها می‌پردازد. همچنین، تأکید بر توسعه حقوق آبراهه‌های بین‌المللی با نگاه به مسائل زیست‌محیطی و انسانی به‌عنوان اولویت‌های کلیدی این مقاله مطرح می‌شود.

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل، آبراهه‌های بین‌المللی، کنفرانس هلسینکی، کنوانسیون ۱۹۹۷، مدیریت منابع آبی، حفاظت از محیط‌زیست، همکاری بین‌المللی.

مقدمه

مدیریت منابع آبی در دنیای امروز به یکی از چالش‌های اصلی جهانی تبدیل شده است که تأثیرات عمیقی بر زندگی انسان‌ها، جوامع و اکوسیستم‌ها دارد. این چالش به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک، نظیر خاورمیانه، شمال آفریقا و برخی کشورهای آسیای مرکزی، که منابع آب در آنها به شدت محدود است، به‌وضوح مشاهده می‌شود. یکی از اصلی‌ترین مشکلات موجود در این مناطق کمبود منابع آب تجدیدپذیر، توزیع نابرابر این منابع، آلودگی منابع آبی، مشکلات بهداشتی ناشی از آب‌های آلوده و تأثیرات منفی ساخت سدها و موانع آبی است. این مسائل در حالی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با بحران آب مواجه هستند و تقریباً یک‌سوم از جمعیت این کشورها به آب شرب کافی دسترسی ندارند.

در کنار این مشکلات، افزایش سریع جمعیت و تغییرات اقلیمی، که موجب افزایش دما، تغییر الگوهای بارش و کاهش منابع آب تجدیدپذیر می‌شود، این چالش‌ها را شدت بخشیده و منجر به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، از جمله مهاجرت‌های گسترده و تغییرات در شیوه زندگی مردم شده است. در این میان، نیاز به رویکردی جامع و یکپارچه برای مدیریت منابع آب آشکارتر از همیشه به نظر می‌رسد. این رویکرد باید به کیفیت و کمیت آب، نیازهای انسانی، و حفظ اکوسیستم‌های آبی توجه ویژه داشته باشد.

در این زمینه، حقوق بین‌الملل و مقررات حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی نقشی اساسی و حیاتی ایفا می‌کنند. دو نقطه عطف اصلی در این زمینه، کنفرانس هلسینکی (۱۹۶۶) و کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد، به‌عنوان اسنادی بنیادی شناخته می‌شوند که اصول و چارچوب‌های حقوقی برای استفاده عادلانه و معقول از منابع آبی مشترک، حفاظت از محیط زیست و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه را فراهم کرده‌اند.

این مقاله به بررسی توسعه حقوق بین‌الملل حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی می‌پردازد و روند تکامل این حقوق را در پرتو تحولات جهانی و نیازهای محیط زیستی جدید تحلیل می‌کند. در ادامه،

چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مدیریت منابع آبی مشترک، از جمله مشکلات اجرایی در همکاری‌های بین‌المللی و نیاز به به‌روزرسانی چارچوب‌های قانونی به‌منظور مقابله با چالش‌های جدید اقلیمی و زیست‌محیطی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین، در این مقاله به اهمیت مشارکت کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، در شکل‌دهی به سیاست‌ها و اصول جدید در حقوق آب بین‌الملل و تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی پرداخته خواهد شد.

مباحث مورد نظر در این مقاله می‌توانند راهکارهایی عملی برای مقابله با بحران‌های آبی در سطح جهانی و منطقه‌ای پیشنهاد دهند و نقش همکاری‌های بین‌المللی را در مدیریت پایدار آب‌های مشترک برجسته سازند.

۲- روش تحقیق

تحقیق اولیه به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود.

بحث و نظر

۱- معضل کمبود آب^۱:

معضل کمبود آب یکی از مهم‌ترین مشکلات دنیای کنونی است. به‌ویژه در رابطه با آب شیرین، چهار مشکل عمده وجود دارد:

- کمبود منابع تجدیدپذیر آب شیرین.^۲
 - توزیع غیر برابر منابع.^۳
 - مسائل مربوط به سطح کیفی و بهداشتی آب.^۴
 - تأثیرات سوء ناشی از ساخت نامحدود سدها^۵ و آب بندها.^۶
- درحالی‌که اغلب کشورهای دارای منابع محدود آبی تجدیدپذیر در خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و صحرای آفریقا می‌باشند،^۷ برخی دیگر از کشورها نظیر چین تنها در قسمت‌هایی قسمت‌هایی از کشور خود دچار کم آبی هستند.^۸ حدود یک‌سوم مردم کشورهای در حال توسعه، دسترسی به آب آشامیدنی به میزان کافی جهت پاسخ به نیازهای ابتدایی خود را نیز ندارند.

^۵. Dams

^۶. Reservoirs

^۷. Saeijs and Berkel (n 1) [7]

^۸. Ibid

^۱. Scarcity of Water

^۲. Shortage of renewable supplies

^۳. Unequal distribution of supplies

^۴. Water quality and health

در تمامی نقاط دنیا، سرانه آب هر فرد از منابع موجود به شدت در حال کاهش یافتن است.

مشکل کمبود آب به دلیل افزایش جمعیت، شکل جدی‌تری به خود گرفته است. طبق تخمین‌های به عمل آمده تنها زمین ظرفیت تأمین آب برای ۴/۵ الی ۹ میلیارد نفر را دارا می‌باشد. بسیاری از مردم، خانه‌های خود را به دلیل سیل، قحطی و خشکسالی ترک می‌نمایند. این گروه از افراد را مهاجرین و یا آوارگان طبیعت^۱ نام‌گذاری کرده‌اند. گفته شده است که در سال ۱۹۹۴ حدود ۲۵ میلیون نفر، محل زندگی خود را به دلیل خشکسالی، قحطی، سیل و سایر بلاهای طبیعی رها کرده‌اند.^۲ به منظور تأمین مدیریت پایدار منابع آب شیرین،^۳ اصول اصول خاصی باید مورد تبعیت قرار گیرد.

– مشکل منابع آب شیرین باید به طور منسجم در سطح حوزه رودخانه^۴ مورد توجه قرار گیرد.

– رویکرد منسجم مزبور باید شامل آب‌های سطحی^۵ و زیرزمینی^۶ بوده و به کیفیت^۷ و کمیت^۸ آن نیز توجه گردد.

– مدیریت منسجم^۹ منابع آبی باید مبتنی بر این نگاه باشد که آب جزء جداناپذیر اکوسیستم بوده و یک منبع اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید.

– نیازهای بنیادین انسان به آب و حفظ اکوسیستم. اولویت‌های نخستین در مدیریت منابع آبی به شمار می‌آیند.

– مصرف کنندگان آب باید تا حد خاصی به مصرف آب بپردازند و از این رو دیگران را به استفاده بهینه از آب تشویق نمایند.

– اجتماعات محلی در گوشه و کنار کشور و نواحی روستایی نیز باید در تمامی سطوح مدیریتی آب شرکت نمایند. علی‌الخصوص حضور زنان در این راستا حائز اهمیت می‌باشد زیرا

این گروه نقش تعیین کننده‌ای در تأمین، مدیریت، و مصرف روزانه آب بر عهده دارند.

– مدیریت ذخیره‌سازی آب^{۱۰} باید در قالب طرح جامعی که مشتمل بر امور ذیل می‌باشد ارتقاء یابد: بهداشت عمومی؛ تولید، حفظ و توزیع غذا؛ طرح‌های احتیاطی در مقابل سوانح طبیعی؛ حفظ محیط‌زیست؛ و حفظ منابع طبیعی.

به منظور ایجاد سیستم پایدار در مدیریت آبی، وجود کارگروه حقوقی مناسب، لازم به نظر می‌رسد. مقررات حقوق بین‌الملل، به تنهایی نمی‌تواند کمبود آب را چاره‌سازی نماید بلکه می‌تواند یک کشور را از وارد آوردن آسیب به کشور دیگر منع کرده و سبب توسعه تلاش‌های چندجانبه میان کشورها به منظور مدیریت منابع آبی مشترک را فراهم آورد و بدین طریق مانع از ایجاد منازعات مربوط به کمبود آب تا آن میزان که اقتضاء شرائط طبیعی است گردد.

۲-۲- نظریه‌های مربوط به مصرف و بهره‌وری از آبراهه‌های بین‌المللی

نظریه‌های مختلفی که در رابطه با مصرف آب رودخانه‌های بین‌المللی وجود دارد، پیش ساخت‌های حقوقی خود را از حقوق بین‌الملل عمومی به‌ویژه از دکتترین تمامیت ارزی اخذ کرده‌اند. بنا به تفاسیر مختلفی که وجود دارد، می‌توان پنج نظریه اصلی را در رابطه با مصرف آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی مطرح نمود:^{۱۱} نظریه حاکمیت مطلق؛ نظریه تمامیت ارزی؛ نظریه اجتماع منافع؛ نظریه حاکمیت محدود (که امروزه به عنوان نظریه مصرف برابر مشهور می‌باشد)؛ و نظریه مدیریت عمومی (که در واقع به شکل متغیری از دکتترین مصرف برابر می‌باشد).

۲-۱- نظریه حاکمیت مطلق^{۱۲}

⁷. Quality

⁸. Quantity

⁹. Integrated management

¹⁰. Water reserves

¹¹. P. Birnie and A. Boyle *International Law and the Environment* (2ed. OUP Oxford 2002)[298]-[346]

¹². The Absolute Sovereignty Theory

¹. Eco-refugees

². Saeijs and Berkel (n 1) [13]

³. Sustainable management of fresh waters

⁴. River basin

⁵. Surface waters

⁶. Ground waters

دست شود.^۷ این نظریه، همچون دکتربین هارمون، هیچ رویکردی به سوی مدیریت مدرن رودخانه‌ها نداشته و از این رو شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.^۸

۲-۳- نظریه اجتماع منافع^۹

سومین نظریه، مبتنی بر نگاه به مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی به‌عنوان یک کل منسجم^{۱۰} می‌باشد. نقطه ثقل این نظریه این است که حکومت تنها از طریق مدیریت مشترک تحصیل می‌گردد.^{۱۱} مدیریت مشترک به‌عنوان مثال شامل طراحی مشترک^{۱۲} و ساخت‌وساز مشترک^{۱۳} می‌باشد. این رویکرد همچنین توسط کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل مورد پیش‌بینی قرار گرفته و تشکیل نهاد مدیریت مشترک^{۱۴} و کمیسیون رودخانه‌های بین‌المللی^{۱۵} را به‌دنبال داشته است. اصل اجتماع منافع توسط دادگاه دائمی بین‌المللی دادگستری^{۱۶} نیز در پرونده رودخانه آدر^{۱۷} مورد قبول قرار گرفته است. اگرچه در این پرونده اختلاف در مورد حقوق مربوط به کشتی‌رانی بود، لکن این عبارت حائز اهمیت است که «اجتماع منافع در رودخانه قابل کشتی‌رانی مبنای حق قانونی مشترک می‌باشد و همه کشورهای ساحلی بدون هیچ مزیت ترجیحی^{۱۸} می‌توانند از رودخانه بهره‌مند گردند.»^{۱۹}

نقطه ثقل این نظریه آن است که دولت‌ها می‌توانند به‌طور کامل و نامحدود به اعمال حاکمیت در قلمرو ملی خویش بپردازند. نظریه مزبور، نخستین‌بار توسط دادستان کل ایالات متحده- آقای هارمون در سال ۱۸۹۵ ارائه گردید و از این رو به نظریه هارمون^۱ نیز معروف شد. هارمون بر حق انحصاری ایالات متحده بر اخذ انشعاب از رودخانه تأکید ورزید. مبنای وی نیز این بود صلاحیت ایالات متحده بر قلمرو خود مطلق و انحصاری^۲ می‌باشد.^۳

براساس این نظریه، دولت‌ها حق دارند که در قلمرو حاکمیت خود هرگونه که صلاح می‌دانند در رابطه با آب رودخانه تصمیم‌گیری نمایند. امروز دکتربین هارمون، کهنه و منسوخ بوده و تنها دارای اهمیت تاریخی است. در جهان امروز ذیل حاکمیت حقوق بین‌الملل مدرن، دیگر هیچ حمایتی از دکتربین هارمون، نه در مرحله نظر و نه در عمل، به‌عمل نیامده و آماج انتقادات بسیاری نیز قرار دارد.

۲-۲- نظریه تمامیت ارضی^۴

این نظریه دقیقاً در نقطه مقابل نظریه هارمون قرار دارد. بر مبنای این اصل از آنجا که آب، قسمتی از قلمرو یک دولت به‌شمار می‌آید، فلذا کشور ساحلی پایین‌دست^۵ حق مطلق دارد تا تا از ادامه جریان آب از کشور بالادست^۶ بهره‌مند گردد. از این رو کشور بالادست نمی‌تواند مانع جریان آب به سمت کشور پایین

¹⁰. Integrated Whole

¹¹. S. Schwebel 2 Y'Book of International Law Commission (1982) pt. 1 [76]-[81]

¹². Joint planning

¹³. Joint construction

¹⁴. Joint Management Body

¹⁵. International River Commission

¹⁶. Permanent Court of International Justice (the PCIJ)

¹⁷. River Oder Case, PCIJ A No 23

¹⁸. Preferential Privilege

¹⁹. PCIJ A No 23 [27]

¹. The Harmon Doctrine

². Exclusive

³. Official Opinion of Attorney General of the United States 1895 [274]

⁴. The Theory of Absolute Territorial Integrity

⁵. The lower riparian state

⁶. The upstream state

⁷. J. Lipper "Equitable Utilization", in Garrestson, Hayton, Olmstead (eds.) *The Law of International Drainage Basins* (Oceana Publications New York 1967) [18]

⁸. B. B. Chauhan *Settlement of International Disputes Basins* (Erich Schmidt Verlag Berlin 1981)[18]-[110]; Lammers (n 10) [562]-[563]

⁹. The Community of Interest Theory

مطرح و براساس آن اصل عدم ایراد ضرر به‌عنوان اصل مبنایی مورد قبول قرار گرفت و دیگر پس از آن، این قاعده در ارزیابی برابر بودن میزان مصرف دو کشور مورد استفاده واقع نشد.

ایجاد تغییر در اولویت به‌نحو مزبور، اعتراض برخی دولت‌ها را به‌دنبال داشت و نهایتاً سبب شد که در ماده ۷ پیش‌نویس، به نحوی به سازش میان این دو اصل اقدام گردد. نتیجه این اقدام چندان جالب توجه نبود و از حیث مفهوم و معنا دارای دو اشکال عمده بود: نخست آنکه ماده مزبور فاقد شفافیت لازم به شمار می‌آمد و دوم آنکه مسئولیت ناشی از عدم ایراد ضرر منتفی گردید. به عبارت دیگر چنانچه ضرر وارده منتسب به فقدان مراقبت‌های لازم نبوده باشد، طرف متضرر جهت کاهش میزان خسارات وارده و احیاناً دریافت غرامت آن با طرف دیگر وارد مذاکره خواهد شد. این بحث در کارگروه کمیته ششم مجمع عمومی همچنان دنبال گردید. در این جا ما شاهد سه دسته نظرات متفاوت می‌باشیم. کشورهای ساحلی بالادست، مدافع اصل مصرف معقول و برابر بودند از این رو پیشنهاد حذف ماده ۷ را ارائه نمودند، گروه دوم از متن این ماده حمایت می‌نمودند. از سویی دیگر کشورهای پایین‌دست و کشورهای مدافع محیط‌زیست خواستار اصلاح ماده‌های ۵ و ۷ و تقویت اصل عدم ایراد ضرر بوده و همچنین از توسعه حقوق مربوط به محیط‌زیست حمایت به عمل می‌آوردند. این دولت‌ها تمایل به وارد کردن اصل توسعه پایدار و اصل احتیاط و پیشگیری داشتند. این گروه با اصلاح ماده ۵، تا حدودی به موفقیت نسبی نائل گردیدند.^۷

اصل عدم ایراد ضرر قابل توجه، آنگونه که در پیش‌نویس ILE تنظیم شده بود نیز آرای مخالف بسیاری را از سوی برخی کشورها برانگیخت. این کشورها را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم نمود. گروه نخست متشکل از کشورهای بالادست، معتقد بودند که ماده ۷، علیرغم اصلاح به عمل آمده، محدودیت

اهمیت این اصل بعدها توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۷ مورد تأکید قرار گرفت. به‌زعم دادگاه "پیشرفت‌های جدید حقوق بین‌الملل، این اصل را در مورد مصارف غیر کشتی رانی آبراهه‌های بین‌المللی نیز تقویت نموده است. تصویب کنوانسیون حقوق مربوط به مصارف غیر کشتی‌رانی رودخانه‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۷ توسط مجمع عمومی سازمان نیز گواهی بر این ادعا می‌باشد."^۱

۲-۴- بهره‌وری برابر^۲

دکترین بهره‌وری برابر (یا حاکمیت محدود^۳) حمایت گسترده جامعه جهانی را به‌دست آورده است. این نظریه اصل زیربنای کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل می‌باشد. جهت حل مشکلات نظری و عملی مربوط به مصارف غیر کشتیرانی آبراهه‌های بین‌المللی، دو اصل مهم پایه‌ریزی شده است: اصل بهره‌وری برابر و اصل عدم ایراد ضرر قابل توجه.^۴ رابطه بی‌ثبات موجود بین این دو اصل و تلاش جهت آشتی دادن این دو، به‌طور واضح در پیش‌نویس ILE که منتهی به کنوانسیون ۱۹۹۷ گردید قابل مشاهده می‌باشد.^۵ این دو اصل، هسته مرکزی بخش دوم کنوانسیون را (مواد ۵ تا ۷) تشکیل می‌دهد.

رابطه متقابل این دو اصل یعنی اینکه در صورت تنازع، کدام اصل بر دیگری ترجیح خواهد یافت، موضوع اصلی مباحثات ILE را در زمان تدوین پیش‌نویس قانونی که ۲۰ سال به طول انجامید به خود اختصاص داد. نخستین دیدگاه این بود که اصل عدم ایراد ضرر، تابع اصل مصرف معقول و برابر^۶ می‌باشد. بدین معنا که اصل مزبور تنها زمانی جریان خواهد یافت که استفاده از آب رودخانه مشترک، متجاوز از حد برابر و معقول ارزیابی گردد. میزان آسیبی که در نتیجه مصرف نامتعارف و غیرمعقول یک کشور به کشور دیگر وارد آمده است یکی از عناصری است که در ارزیابی برابر بودن میزان مصرف دو کشور مورد توجه قرار خواهد گرفت. چندی بعد دیدگاه دیگری

^۵. M. Fitzmaurice "The Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses" LJIL vol. 8 (1995) [361]-[375]

^۶. Equitable and Reasonable Utilization

^۷. Cuflish (n 18) [14]

^۱. Judgment 25 September 1997 37 ILM 162 (1998) Para 85

^۲. Equitable Utilization

^۳. Limited Territorial Sovereignty

^۴. Non-Significant Harm

وجود دارد. نهایتاً این که این پیشنهاد که عدم ایراد ضرر قابل توجه، دارای اولویت ذاتی نمی‌باشد، در ماده ۱۰ کنوانسیون مورد تأیید قرار گرفته است. در این ماده آمده است که هرگونه اختلاف در مورد مصرف آبراهه‌های بین‌المللی تنها با مراجعه به مواد ۵ تا ۷ قابل حل و فصل می‌باشد. اختلافات مزبور نباید صرفاً با اعمال اصل عدم ایراد ضرر - موضوع ماده ۷- مورد رسیدگی قرار گیرند بلکه در این راستا توجه به مجموعه قواعد «استفاده برابر و عدم ایراد ضرر» ملحوظ قرار خواهد گرفت. ایراد ضرر تا اندازه‌ای مورد قبول است که غیر قابل توجه و غیرمعتابه باشد این مبحث، نظرات بسیار متعددی را در ILC برانگیخت. در پیش‌نویس نخستین (از جمله پیش‌نویس ۱۹۹۱) کمیسیون مزبور از اصطلاح «ضرر اساسی»^۶ سخن به میان آورد. باین وجود، در نگاه ILC اصطلاح «اساسی» می‌توانست طیف وسیعی از معانی را به دنبال داشته باشد؛ لذا ابهام مزبور سبب شد تا از این عبارت در پیش‌نویس نهایی استفاده نگردد. از این رو اصطلاح «اساسی» به اصطلاح «ملموس»^۸ تغییر نمود. ILC در مقام توضیح اصطلاح «ضرر ملموس» بیان داشت که مقصود، ضرری است که معتابه بوده (یعنی ضرر، سطحی و کم‌اهمیت نبوده) اما بار معنایی آن کم‌تر از اصطلاح «اساسی» می‌باشد. به عبارت دیگر، ضرر ملموس ضرری است که مهم و مکشوف بوده لکن به هیچ وجه، جدی و معتابه، به‌شمار نمی‌آید. در پیش‌نویس ۱۹۹۴، اصطلاح «ملموس»، دوباره جای خود را به اصطلاح «مهم»^۹ داد. هدف از این تغییر، همسو نمودن پیش‌نویس مزبور با پیش‌نویس ILC در مورد مسئولیت ناشی از نتایج زیان‌باری است که در نتیجه ارتکاب اعمال غیرممنوعه در حقوق بین‌الملل^{۱۰} به‌وجود می‌آید.

غیر قابل قبولی را بر اصل استفاده معقول و برابر ایجاد می‌نماید از این رو خواستار حذف این ماده یا اضافه شدن عبارت «بدون آنکه منافات با اصل استفاده معقول و برابر داشته باشد» شدند. گروه دوم از پیش‌نویس ماده توسط ILE حمایت می‌کردند. گروه سوم نیز، ماده مزبور را از آن‌رو که در مجموع، تضعیف اصل عدم ایراد ضرر را به دنبال دارد مورد انتقاد قرار دادند.^۱ نتیجه مباحث بسیاری که در کارگروه، در این رابطه به عمل آمد آنکه متن نهایی مواد ۵ تا ۷، به‌طور کلی متفاوت از متن پیش‌نویس آن تنظیم شد و یک معامله کلی^۲ را تشکیل داد. کنوانسیون مزبور با ۱۰۳ رأی موافق در مقابل سه رأی مخالف (ترکیه، چین و برون‌دی) و ۲۷ رأی ممتنع به تصویب رسید. این تعداد رأی مثبت، تردیدهایی را در مورد اعتبار این کنوانسیون بر می‌انگیزاند.^۳

معیار «مراقبت لازم»^۴ متروک گردید و معیار «ضوابط متناسب»^۵، مورد توجه قرار گرفت. این معیار نیز مبهم بوده و درواقع، دقیقاً همان معیار سابق را به ذهن متبادر می‌نماید. باین وجود قابل ذکر است که معیار مزبور در راستای یکی دیگر از کنوانسیون‌های مهم (کنوانسیون ۱۹۹۲ پیرامون حفظ و استفاده از رودخانه‌ها و دریاچه‌های مرزی، معروف به کنوانسیون هلسینکی) می‌باشد. در این کنوانسیون معیار «ضوابط متناسب» و نه «معیار مراقبت لازم» مورد قبول قرار گرفته است.

تحلیل دقیقی از مواد ۵ تا ۷ کنوانسیون حاکی از آن است که پاراگراف ۲ از ماده ۷ کنوانسیون، اولویت را به استفاده برابر در مقابل دکتین عدم ایراد ضرر خواهد داد. پاراگراف مزبور به‌طور ضمنی مؤید این نظر است که امکان ورود ضرر بدون آنکه کشور وارد کننده ضرر مسئولیتی از این حیث داشته باشد

⁶. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and Lakes 1992

⁷. Substantial harm

⁸. Appreciable

⁹. Significant

¹⁰. ILC Draft on Liability for Injurious Consequences Arising out of Acts Not Prohibited by International Law

¹. Nussbaum (n 20) [50]

². Package Deal

³. Cufish (n 18) [18]

⁴. Due Diligence

⁵. All Appropriate Measures

یا چند جانبه با سایر کشورهای ساحلی بوده و یا آنکه موظف به اصلاح توافقات موجود براساس اصول مبنایی این کنوانسیون و حذف مواد متعارض با آن می‌باشند. حوزه موافقت نامه‌های مزبور نیز در زمینه پیش‌گیری، کنترل و کاهش تنش‌های مرزی خواهد بود. کشورهای مزبور همچنین متعهداند تا در راستای همکاری‌های خود، سرچشمه‌ها و حوزه‌های آبگیری را مشخص و معین نمایند. این موافقت نامه‌ها در بردارنده مسائلی است که مورد اشاره کنوانسیون قرار گرفته و همچنین سایر مواردی را که طرفین، اشاره به آن را ضروری می‌دانند نیز در آن درج خواهد شد.^۳

این اصل به‌طور کامل در یکی از پرونده‌های مطروحه،^۴ توسط دادگاه مورد قبول قرار گرفت. به زعم دادگاه، «پایه ریزی مجدد رژیم مشترک، به طریقی مطلوب، می‌تواند بر مفهوم استفاده عمومی از منابع آبی مشترک، به‌منظور نیل به اهداف معین شده در معاهده و مطابق با ماده ۵ و پاراگراف ۲ کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل تأثیرگذار باشد»

دادگاه همچنین اعلام داشت که «جبران خسارات وارده، تا حد ممکن، باید شامل تمامی نتایج اعمال غیر قانونی باشد».^۵ در این پرونده، نتیجه رفتارهای غیر قانونی طرفین دعوا تا حد امکان مورد امحاء قرار گرفت مشروط بر آنکه ایشان همکاری‌های خود را در استفاده از منابع آبی مشترک از نو آغاز نموده و برنامه‌های چند منظوری را به‌صورت هماهنگ و در راستای بهره‌وری، توسعه و حفظ آبراهه‌ها، به صورت معقول و برابر دنبال نمایند. آنچه که طرفین در این حالت می‌توانند به آن بپردازند، همکاری جهت تکمیل قسمت‌های نا تمام این پروژه است. بدین‌منظور طرفین می‌توانند با حفظ اصل برنامه، تغییراتی را در شیوه اجرایی آن در رابطه با تخصیص آب و برق به‌عمل آورند.

۲-۵- مدیریت عمومی^۶

(پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها). با توجه به کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل می‌توان به تفصیلی از اصطلاح «مهم» دست یافت. در نگاه اول در می‌یابیم که این اصطلاح، متفاوت از اصطلاح «ساسی» است. آنگونه که در کنوانسیون به‌کار برده شده، احراز ضرر مهم با وجود دلیل و مدارک عینی امکان‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که این بحث بی‌ثمر و خالی از هرگونه فایده‌ای باشد زیرا هیچ تفاوت عمده‌ای را میان دو اصطلاح «ضرر مهم» و «ضرر ملموس» آشکار نمی‌سازد.

این نکته قابل مناقشه نیست که سنگ‌بنای کنوانسیون و نقطه عطف آن ماده ۵ می‌باشد. ماده مزبور، دولت‌ها را متعهد می‌سازد تا از آبراهه‌های بین‌المللی، در تعاملی سازنده با سایر کشورهای ساحلی و به صورت معقول و برابر استفاده به‌عمل آورند. اهمیت ماده ۵ در این است که استفاده معقول و برابر از آبراهه‌های بین‌المللی را مشروط به حفظ و مراقبت آن در مقابل آلودگی و سایر اشکال تخریب می‌نماید.

همین ماده، مفهوم جدیدی از «استفاده برابر» را ارائه داده است. اندیشه‌ای که پشت این مفهوم نهفته این است که به‌منظور کامل نمودن رژیم استفاده معقول و برابر از آبراهه‌های بین‌المللی، دولت‌های ساحلی باید با برداشتن گام‌های مؤثر، به‌صورت فردی و یا جمعی، با یکدیگر همکاری نمایند. رژیم مزبور، همراه با وظیفه حفظ و نگهداری از اکوسیستم آبراهه‌ها، به‌طور فردی و یک جانبه قابل تحقق نخواهد بود و همکاری جمعی کشورهای ساحلی را در این راستا می‌طلبد.^۲

سایر کنوانسیون‌های مربوط به آبراهه‌ها نیز از اصل «استفاده معقول و برابر» استفاده کرده و آن را مبنای همکاری‌های مشترک خود قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال کنوانسیون هلسینکی به این نکته اذعان دارد که کشورهای ساحلی، در صورت عدم وجود موافقت‌نامه‌هایی فی‌مابین، ملزم به انعقاد قراردادهای دو

^۴. Gabcikovo-Nagymaros Case

^۵. J Lambers "the Gabcikovo-Nagymros Case, 11 LJIL (1998) [287]-[320]

^۶. Common Management

^۱. State Liability Draft

^۲. McCaffrey (n 18) [22]

^۳. Article 9 (1)

می‌توان به دو بخش عمده تقسیم نمود. گروه اول کشورهای بودند که تاکنون وارد معاهده دو یا چندجانبه با سایر کشورهای ساحلی پیرامون آبراهه‌های مشترک نشده بودند و از این رو مخالف داخل کردن قید استثناء بر پاراگراف ۱ ماده ۳ به‌شمار می‌آمدند. گروه دوم کشورهای بودند که از قبل، اقدام به انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه با سایر کشورهای ساحلی کرده بودند. نگرانی کشورهای گروه اول این بود که ضوابط موافقت‌نامه‌های پیشین می‌تواند معارض اصولی از کنوانسیون که به نفع آن‌ها تنظیم شده است قرار گیرد. به‌منظور جلب نظر این دولت‌ها، پاراگراف ۲ ماده ۳؛ این امکان را برای دولت‌ها بوجود آورد تا توافق نامه‌های خود را با مقررات کنوانسیون مطابق و برابر نمایند. کشورهای گروه دوم، کنوانسیون جدید را خطری بالقوه برای موافقت‌نامه‌های پیشین به‌شمار می‌آوردند.^۴ پاراگراف ۳ ماده ۳ کنوانسیون، امکان تعدیل کنوانسیون توسط دولت‌هایی که وارد موافقت‌نامه جدیدی با یکدیگر می‌شوند را از طریق در نظر گرفتن ویژگی‌ها خاصی یک رودخانه فراهم نمود. به‌طور کلی می‌توان گفت که الفاظ کنوانسیون حاکی از این حقیقت است که موافقت‌نامه‌ها می‌تواند جدای از مقررات کنوانسیون تنظیم گردند. این امر مؤید این نظر است که کنوانسیون فاقد هنجار و اصول لازم الرعایه^۵ در حقوق بین‌الملل می‌باشد و احکام آن نیز صرفاً به منزله خط مشی و منبع ارشادی^۶ برای دولت‌هایی است که در آستانه انجام مذاکرات جهت انعقاد موافقت‌نامه‌ای قرار دارند.^۷

به‌علاوه، کنوانسیون به اصول حاکم بر حقوق مقررات پایبند است؛ از این رو، هیچ موافقت‌نامه‌ای نمی‌تواند کشور ثالثی را نسبت به عملی منع یا امر نماید. این موضوع در پاراگراف ۶ ماده ۳ که صراحتاً آثار حقوقی کنوانسیون را در رابطه با شخص ثالث استثناء می‌نماید بیان شده است.

نظریه مدیریت عمومی، گونه تغییر یافته‌ای از نظریه استفاده برابر می‌باشد و بر این اصل استوار است که از طریق یک نگاه منسجم نیز می‌توان به مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی پرداخت و با تأسیس نهادی جهت تضمین استفاده برابر و توسعه پایدار می‌توان از کارایی بیشتری در این راستا برخوردار بود. این نظریه همچنین گونه‌ای از رویکرد اجتماع منافع به‌شمار می‌آید که جدای از متصل بودن آن به اصل استفاده برابر، از آن نیز فراتر رفته و توسعه یکپارچه محیط‌زیست آبراهه‌ها و وضع مقررات بین‌المللی را در این رابطه پیشنهاد می‌نماید. بنابراین، این رویکرد جامع، متفاوت از رویکرد سرچشمه محور^۸ در مدیریت آبراهه‌های می‌باشد. این رویکرد مبتنی بر این پیش فرض است که تأسیس نهادهای بین‌المللی که در آن تمامی کشورهای ساحلی به‌منظور سیاست‌گذاری‌های لازمه بر آبراهه‌ها مشارکت می‌نمایند ضروری است. اگرچه کمیسیون‌های بسیاری در مورد رودخانه‌ها وجود دارد؛ لکن تنها چند نهاد اندک هستند که دارای نگاهی منسجم و یکپارچه، از جمله در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست آبراهه‌ها می‌باشند.^۹

۳- سایر مقررات بنیادین کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل

کنوانسیون ۱۹۹۷، علاوه بر مقررات کلی مندرج در مواد ۲، ۳، ۸ و ۱۰ (که پیش از این مورد بحث قرار گرفت) شامل چندین مقررات دیگر نیز می‌باشد.

کنوانسیون مزبور، تعریف موسّعی را از آبراهه‌های بین‌المللی پذیرفته است. در این کنوانسیون نه تنها به رودخانه‌های بین‌المللی اشاره شده بلکه آبهای زیر زمینی را نیز که به یک آبگیر ختم می‌شوند مورد توجه قرار داده است.

ماده ۳ کنوانسیون، موضوع بحث داغی بود که در کمیته ششم جریان داشت. اصولاً مسأله مربوط به این ماده ناشی از عدم درک رابطه میان توافقات دو یا چندجانبه دولت‌های ساحلی با کارگروه کنوانسیون بود. نظرات دولت‌ها، در این رابطه را

^۴. Jus Cogens

^۵. Guideline

^۶. Calffisch (n 18) [11]

^۱. Hydrologic Approach

^۲. J. Weeramanitar, *Botswana/Namibia*, Judgment of 13 December 1999 (www. icj. cij. org)

^۳. Nussbaum (n 20) [48]-[49]

از میان سایر مقررات کنوانسیون که دارای اهمیت اساسی می‌باشند باید از ماده ۳۲ که پیرامون شیوه حل و فصل اختلافات است سخن به میان آورد. این ماده از بحث انگیزترین مواد کنوانسیون است زیرا اعضای کنوانسیون را ملزم به پذیرش صلاحیت اجباری دادگاه بین‌المللی دادگستری^۳ و یا قبول داوری^۴ مطابق با ضمیمه کنوانسیون به هنگام بروز اختلافات می‌نماید.

۴- حفاظت از محیط‌زیست آبراهه‌ها

بخش چهارم کنوانسیون - که به‌طور سنتی تعلقی به حقوق حاکم بر آبراهه‌ها ندارد- در مورد حفظ و نگهداری و مدیریت محیط‌زیست رودخانه‌ها و سواحل آن می‌باشد. (مواد ۲۰ تا ۲۶) ماده ۲۰ بنیادی‌ترین و مهم‌ترین ماده در مورد حفظ و نگهداری اکوسیستم‌ها به شمار می‌آید. طبق این ماده: «کشورهای حاشیه رودخانه موظف هستند که به‌طور فردی و یا در صورت اقتضاء به‌صورت جمعی به حفاظت و نگهداری از اکوسیستم آبراهه‌های بین‌المللی بپردازند.» این ماده از ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهای^۵ اخذ شده است تعهد مزبور در این ماده بی‌تردید براساس معیار «مراقبت لازم»^۶ می‌باشد. ماده ۲۱ نیز که در مورد آلودگی آبراهه‌های بین‌المللی است از کنوانسیون حقوق دریا^۷ اخذ شده است. براساس این ماده، کشورهای ساحلی موظفند که در جهت پیشگیری، کنترل و کاهش آلودگی آبراهه‌ها تلاش نمایند. با این وجود، این ماده تنها زمانی قابل اجرا است که آلودگی مزبور ضرر قابل توجهی^۸ را به سایر کشورهای حاشیه رودخانه یا محیط‌زیست آن وارد کرده باشد.

ماده ۲۴ در مورد مسأله مدیریت است. این ماده با دقت بسیاری تنظیم شده تا بتواند به‌خوبی منافع کشورهای مختلف را در کنار هم قرار دهد. مهم‌ترین تمرکز این ماده، انجام مذاکرات توسط دول ساحلی در موضوعات مربوط به مدیریت آبراهه‌های

ماده ۴، پاراگراف ۲، هیچگونه مشکلی را در طول مذاکرات ایجاد ننمود. مشکل اصلی ما، پاراگراف ۲ ماده ۴ است که در مورد موافقت نامه‌های یک جانبه اعمال می‌شود. این موافقت‌نامه‌ها تنها میان برخی کشورهای حوزه رودخانه منعقد می‌گردد و محدود به چارچوب مشخص شده خود می‌باشد اما تأثیرات بالقوه‌ای بر وضعیت سایر کشورهای ساحلی به‌دنبال خواهد داشت. در این رابطه، بدین نحو مصالحه به‌عمل آمد که کشور ثالث در صورت اقتضاء، حق شرکت در مذاکرات این توافق‌نامه‌ها را داشته و چنانچه حقوق وی نیز متأثر از این توافق باشد بتواند با حسن نیت و به‌عنوان یک عضو این موافقت‌نامه، وارد گردد. آقای کافلیش معتقد است که این راه حل از منظر حقوقی سؤال‌برانگیز خواهد بود با این وجود، این راه حل به‌دلیل استفاده از عبارت «در صورت اقتضاء»^۱ و همچنین محدود نمودن ورود کشور ثالث به «تحت تأثیر قرار گرفتن حق وی» قابل قبول خواهد بود.^۲

ماده ۸ کنوانسیون، تعهد عمومی دولت‌ها به همکاری را ایجاد می‌نماید. طبق قاعده جالبی که در پاراگراف ۲، ماده ۸ وجود دارد، دولت‌ها می‌توانند به تأسیس کمیسیون مشترک و یا ابداع مکانیزمی اشتراکی بپردازند. این همان راه‌حلی است که هم‌اکنون در بسیاری از مناطق دنیا مورد پذیرش قرار گرفته است و نهایتاً باید از ماده ۱۰ که پیرامون گونه‌های مختلف مصرف آبراهه‌های بین‌المللی بحث می‌نماید سخن به میان آورد. نخست و به‌عنوان یک قاعده کلی باید گفت که هیچ مزیتی در برتری هر یک از گونه‌های متفاوت استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی وجود ندارد و در صورتی که پیرامون انواع مصارف آن اختلاف حاصل شود، مسأله متنازع با توجه به مواد ۵ تا ۷ و امعان نظر به نیازهای حیاتی انسان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

⁵. The 1982 Law of Sea Convention

⁶. Due Diligence

⁷. Significant Harm

¹. Where Appropriate

². Ibid [12]

³. International Court of Justice

⁴. Arbitration

مفهوم نیز «جدید بودن آن»^۶ و «فقدان قطعیت نتایج حقوقی»^۷ آن اعلام گردید.^۸

گفته شده که این مفهوم زیربنای اصل پیشگیری از آلودگی مرزی آبراهه‌ها^۹ را تشکیل می‌دهد. در اهمیت این مفهوم گفته شده، که این مفهوم وابستگی متقابل حقیقی و حقوقی^{۱۰} دولت‌ها را به‌دنبال دارد.^{۱۱} وابستگی حقیقی ناشی از این حقیقت است که فعالیت‌های هر دولت بر آبراهه مشترک میان چند کشور، بر رژیم حقوقی آن تأثیر خواهد گذاشت. باین‌وجود، به زعم آقای نول کامپر،^{۱۲} فایده این نظریه در این زمینه به‌دلیل وجود عوامل چندگانه تأثیرگذار بر وابستگی‌های حقیقی بسیاری محدود می‌باشد به‌نحوی که نمی‌توان رابطه مستقیمی را بین آن دو برقرار نمود. "دکترین منابع مشترک نمی‌تواند کمکی در ایجاد ویژگی محتوایی این حقوق و وظائف نماید."^{۱۳}

باین‌وجود، دیوان (دیوان بین‌المللی دادگستری)، در یکی از پرونده‌ها^{۱۴} به این مفهوم توجه نمود و به‌نحو جالبی آن را با مصرف معقول و برابر ارتباط داد. دیوان در این رابطه اذعان داشت: "توسعه نوین حقوق بین‌الملل، این اصل را در رابطه با مصارف غیر کشتی‌رانی از آبراهه‌های بین‌المللی، به‌خوبی مورد تقویت قرار داده است و ما تأیید این نظر را به سبب تصویب کنوانسیون ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل شاهد می‌باشیم." دیوان در ادامه بیان داشت: "چکوسلواکی با این فرض که کنترل مطلق یک منبع مشترک را در اختیار دارد، مجارستان را از حق خود در استفاده متعارف و برابر از یک منبع طبیعی مشترک - رودخانه دانوب - از طریق منحرف کردن مسیر آب

بین‌المللی می‌باشد. این ماده اصطلاح مدیریت را این‌گونه تعریف می‌کند که مراد از آن «طراحی توسعه پایدار آبراهه‌های بین‌المللی و فراهم نمودن زمینه‌های اجرایی طرح‌های پذیرفته شده و سایر طرق ارتقاء بهره‌وری معقول و مطلوب و همچنین حفاظت و کنترل آبراهه‌ها» می‌باشد.

۵- تعهدات شکلی^۱

تعدادی از مقررات کنوانسیون اختصاص به تعهدات شکلی کشورهای ساحلی پیدا کرده است. این موارد در بخش سوم کنوانسیون و ذیل عنوان «موازن طراحی شده»^۲ قرار گرفته است (مواد ۱۱ تا ۱۹) این مواد کاملاً مغلق و پیچیده بوده و ممکن است تصور شود که نمی‌تواند بازتاب حقوق عرفی بین‌المللی^۳ به‌شمار آید. ماده ۱۱ که مهم‌ترین ماده در این بخش به‌شمار می‌رود، از تبادُل کامل اطلاعات مربوط به «موازن طراحی شده» حمایت می‌نماید.

۶- آبراهه‌های بین‌المللی به‌عنوان «منبعی مشترک»^۴

یکی از مسائلی که هنوز به‌درستی مورد تبیین قرار نگرفته و منبع آراء و عقاید متفاوتی می‌باشد، این است که آیا آبراهه‌های بین‌المللی به‌عنوان منبعی مشترک میان گروهی از دولت‌های ساحلی آن می‌باشد یا خیر. ILC، در بدو امر از مفهوم «منابع مشترک»، در پیش‌نویس خود استفاده کرد و متعاقباً آن را نپذیرفت و رها نمود. در سال ۱۹۸۰، ILC صراحتاً ارزش حداقلی^۵ استفاده از مفهوم منابع مشترک را در رابطه با آبراهه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخت. علت ترک کردن این

^۸. P. Buirrete and A. Nollkaemper *The legal Regime for Transboundary Water Pollution: Between Discretion and Constraint* (Kluwer Law International Hague 1993) [26]

^۹. Prevention of Transboundary Pollution

^{۱۰}. Factual and Legal Interdependence

^{۱۱}. Ibid

^{۱۲}. Nollkaemper

^{۱۳}. Nollkaemper (n 48) [26]-[28]

^{۱۴}. *Gabcikovo-Ngymaros Case*

^۱. The Procedural Obligations

^۲. Planned Measures

^۳. International Customary Law

^۴. Shared Recourse

^۵. Minimal Value

^۶. Novelty

^۷. Lake of Certainty as to its Legal Consequences

محروم نموده و از این طریق قاعده استفاده متناسب در حقوق بین‌الملل را مورد نقض قرار داده است.^۱

باین‌وجود قابل ذکر است که بسیاری از نویسندگان، از آبراهه‌های بین‌المللی ذیل عنوان منابع مشترک یاد می‌نمایند.^۲

نتیجه‌گیری

در مجموع، محصل مطالب فوق این‌که، کندو کاوی در رویکردهای حقوقی مربوط به مدیریت نوین آبراهه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که اصل استفاده برابر حائز بیشترین میزان اهمیت می‌باشد. این اصل اگرچه در سطح وسیعی توسط دولت‌ها مورد استفاده و اشاره قرار گرفته است لکن مفهوم این اصل در کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل با پیچیدگی‌های بسیاری همراه می‌باشد. باین‌وجود، قابل ذکر است که هنوز برخی از مشکلات حل نشده در این رابطه وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها رابطه میان این اصل و قاعده عدم ایراد ضرر قابل توجه می‌باشد. چنانچه اشاره شد، رابطه مزبور در طول مذاکرات تدوین کنوانسیون، مباحث داغی را میان کشورهای ساحلی بالادست و پایین‌دست ایجاد نمود. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اصل استفاده برابر را مورد تأکید قرار داد. جای تردید نیست که این اصل شکل ارتقاء یافته نظریه اجتماع منافع می‌باشد. این نکته توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده رودخانه آدر^۳ مورد اذعان قرار گرفت. پیش فرض این نظریه، برابری تمامی دولت‌های ساحلی در استفاده از آبراه بین‌المللی از یک سو و مدیریت عمومی منسجم از سوی دیگر می‌باشد.

در خاتمه، یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت نوین آبراهه‌های بین‌المللی یعنی حفاظت از محیط‌زیست باید مورد اشاره قرار بگیرد. این عنصر حکایت از این امر دارد که در حقوق کنونی حاکم بر مسائل آب، رویکرد صحیحی به مشکلات اجرایی آبراهه‌های بین‌المللی مدنظر قرار گرفته است. این رویکرد

چهارچوب حقوقی‌ای را ایجاد می‌نماید که مسائل مربوط به آبراهه‌ها به صورت جامع‌تر از قبل مورد رسیدگی و تبیین قرار خواهند گرفت از این‌رو دولت‌ها تشویق به انعقاد موافقت‌نامه‌های آبی می‌شوند که از طریق تأسیس کمیسیون یا نهادی خاص، مدیریت جمعی منابع مشترک را بر عهده گیرند.

پیچیدگی‌های مربوط به این مسائل سبب شده است که مؤسسات بسیاری در زمینه مدیریت آب و با توجه به منافع تمامی کشورهای ساحلی به‌طور مساوی به اجرای طرح‌های خود بپردازند.

شایان ذکر است که چندین موافقت‌نامه مربوط به آبراهه‌های بین‌المللی در این راستا منعقد شده‌اند باین‌وجود، مرتقی‌ترین آن‌ها کمیسیون مربوط به رود مرزی میان فنلاند و سوئد می‌باشد.^۴ این نهاد براساس توافق نامه مربوط به رودخانه‌های مرزی به تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۱ شکل یافت.^۵ وظائف این کمیسیون بسیار وسیع‌تر از سایر نهادهای مشابه آن می‌باشد. تمامی موضوعات قضایی و اداری مربوط به توسعه آبراهه‌ها از جمله ماهیگیری و جلوگیری از آلودگی آن در تحت صلاحیت این نهاد قرار دارد. علاوه بر این، کمیسیون دارای نقش نظارتی در مصرف آب، ماهیگیری و اوضاع و احوال حاکم بر آبراهه می‌باشد. این وظائف در مجموع سبب قدرتمند شدن کمیسیون را فراهم آورده است. در راستای اجرای این وظائف، کمیسیون می‌تواند کسانی را که بدون أخذ مجوز به گستراندن دام برای صید ماهی اقدام می‌نمایند با جریمه مالی و یا حتی یک سال حبس مجازات نماید. وظائفی این چنین گسترده و اختیاراتی این چنین و سبب تنها از طریق سیستم قضایی منسجم و یکپارچه و در قالب سیاستی مشترک امکان‌پذیر خواهد بود.

^۳. River Oder Case

^۴. Finnish-Swedish Frontier River Commission (the FSFR)

^۵. Text in: 825 UNTS [191]

^۱. Paragraph 85 of Judgment

^۲. N. Schrijver *Sovereignty over National Resources, Balancing Rights and Duties* (Cambridge University Press, Cambridge 1997) [129]- [130]

- N. Schrijver *Sovereignty over National Resources, Balancing Rights and Duties* (Cambridge University Press, Cambridge 1997) [129]- [130]

- P. Birnie and A. Boyle *International Law and the Environment* (2ed. OUP Oxford 2002)[298]-[346]

- P. Buirrete and A. Nollkaemper *The legal Regime for Transboundary Water Pollution: Between Discretion and Constraint* (Kluwer Law International Hague 1993) [26]

- S. Schwebel 2 *Y'Book of International Law Commission* (1982) pt. 1 [76]-[81]

- The 1982 Law of Sea Convention

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل ترجمه حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: این مقاله ترجمه فصل دوم از کتاب مجموعه مقالات حقوق آبراهه‌های بین‌المللی به تألیف سوریا پی سویدی^۱ است که در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات آشگیت^۲ منتشر شده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- B.B. Chauhan *Settlement of International Disputes Basins* (Erich Schmidt Verlag Berlin 1981)[18]-[110]: Lammers (n 10) [562]-[563]

- *Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and Lakes* 1992

- ILC Draft on Liability for Injurious Consequences Arising out of Acts Not Prohibited by International Law

- International River Commission

- J Lambers "the *Gabcikovo-Nagymros* Case, 11 LJIL (1998) [287]-[320]

- J. Lipper "Equitable Utilization", in Garrestson, Hayton, Olmstead (eds.) *The Law of International Drainage Basins* (Oceana Publications New York 1967) [18]

- J. Weeramantar, *Botswana/Namibia*, Judgment of 13 December 1999 (www.icj.cij.org)

- M. Fitzmaurice "The Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses" LJIL vol.8 (1995) [361]-[375]

². Ashgate Publishing Company

¹. Surya P. Subedi